

عنوان تحقیق:

نقش خلیج فارس در مناسبات تجاری و سیاسی دوره های اشکانی و ساسانی

نگارش:

سید علی ضرغامی

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

چکیده.....	1.....
مقدمه.....	2.....
فصل اول: جغرافیای خلیج فارس.....	3
1-1- مشخصات طبیعی.....	3.....
1-2- موقعیت طبیعی سواحل خلیج فارس.....	4.....
1-3- شرایط آب و هوایی خلیج فارس.....	4.....
1-4- جزایر و بنادر خلیج فارس.....	5
فصل دوم: خلیج فارس در دوره باستان.....	6.....
فصل سوم: نقش خلیج فارس در مناسبات تجاری-سیاسی دوره اشکانی.....	10.....
1-3- شهرها و آبادی های خلیج فارس در دوره اشکانی.....	11.....
فصل چهارم: نقش خلیج فارس در مناسبات تجاری سیاسی دوره ساسانی.....	13.....

1-4- حکومت های محلی پس کرانه‌ای در اواخر دوره اشکانی.....13

2-4- از اردشیر بابکان تا اردشیر دوم ساسانی(دوره اول).....15

3-4- از اوایل قرن ششم میلادی تا قرن هفتم (دوره دوم).....17

۴-۴- شهرها و بنادر مهم خلیج فارس در دوره ساسانیان.....20

5-4- محدوده و نام خلیج فارس در متون یونان و روم باستان.....22

فهرست

منابع.....
23.....

چکیده:

موقعیت و شرایط جغرافیایی خلیج فارس همواره نقش مهمی در تجارت، اقتصاد و اوضاع اجتماعی و حتی سیاسی خلیج فارس در دوره های مختلف تاریخی داشته است. خلیج فارس شیار هلالی شکل است که از طریق دریای عمان به اقیانوس هند و آبهای آزاد راه می یابد و به عنوان شعبه ای از اقیانوس هند از شمال به سواحل ایران از شرق به دریای عمان و از جنوب و غرب به شبه جزیره عربستان محدود است و از آغاز تاریخ به عنوان یک راه دریایی مهم موقعیت برجسته سیاسی داشته است، از قرن ها پیش عیلامی ها از بندر بوشهر و جزیره خارک برای سکونت و کشتیرانی و حکمرانی بر سواحل خلیج فارس و بازرگانی با هند و دره نیل استفاده می کردند. در زمان هخامنشیان تمامی سواحل و جزایر خلیج فارس تحت نفوذ ایرانیان قرار داشت در دوره اشکانی، پارتیان نیز از طریق خلیج فارس و اقیانوس هند با کشورهای نظیر چین و هند به تجارت می پرداختند. در دوره ساسانی هم تجارت دریایی رونق داشت و ایران تنها راه مراوده بین یونان و روم با آسیای میانه بود. کشتی های ایرانیان از راه خلیج فارس به تجارت گسترده با ممالک دیگر می پرداختند و ایرانیان دوره ساسانی به منظور توسعه تجارت دریایی خود بندرهایی نیز در سواحل خلیج فارس ساختند که اهمیت این بنادر تا دوره های بعد نیز ادامه یافت چون کشتی هایی که از هند به عدن می رفتند در این بنادر توقف می کردند. بنابراین خلیج فارس در دوره باستان نیز به عنوان گلوگاه مهم و حیاتی تاریخ و تمدن و اقتصاد ایران نقش مهمی داشته است.

مقدمه:

بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی خلیج فارس و ممالک همجوار آن از دشواری و پیچیدگی خاصی برخوردار است چرا که این آبراه در مرکز خاورمیانه قرار گرفته و در طی تاریخ اهمیت بسیاری داشته و تا حد زیادی مرکز حوادث مهمی در طول تاریخ بوده است. از سوی دیگر محیط اطراف آن را نیز مناطق مهمی مانند بین النهرین، فلات ایران و شبه جزیره عربستان در بر گرفته است، از این رو حوادث و رویدادهای سیاسی و اجتماعی این نواحی در اوضاع سیاسی و اجتماعی خلیج فارس تاثیر بسیاری داشته است.

بررسی تاریخ خلیج فارس در واقع به معنای مروری بر تاریخ تمدن های بین النهرین، فلات ایران و شبه جزیره عربستان است. در این تحقیق، نگارنده پس از معرفی جغرافیای طبیعی و تاریخی خلیج فارس و معرفی بنادر مهم آن در دوره باستان به بررسی نقش خلیج فارس در مناسبات تجاری و سیاسی دولت های ایران باستان، بخصوص در دوره های اشکانی و ساسانی می پردازد و جایگاه خلیج فارس و اهمیت آن را در این دوره ها مورد بررسی قرار می دهد و به این موضوع می پردازد که آیا خلیج فارس در دوره اشکانیان و ساسانیان تحت کنترل و نفوذ ایرانیان بوده و میزان تسلط ایرانیان به بنادر خلیج فارس و سواحل آن چه اندازه بوده و همچنین نام بنادر مهم آن چه بوده و هر یک چه سهمی در تجارت و سیاست دوره های مزبور داشته است.

فصل اول:

جغرافیای خلیج فارس

موقعیت جغرافیایی خلیج فارس همواره نقش تعیین کننده ای در سیاست و تجارت و اقتصاد آن در دوره های مختلف داشته است. این خلیج از نظر وضعیت طبیعی و موقعیت اقتصادی و سیاسی دارای ارزش و اهمیت زیادی بوده است. همانطور که حیات اقتصادی و اجتماعی بین النهرین به دو شاهرگ آبی آن یعنی دجله و فرات وابسته است و همانگونه که رود نیل نقش مهمی در تاریخ مصر داشته و دارد، به همان نسبت هم خلیج فارس به عنوان یک گلوگاه حیاتی در تاریخ ایران بوده است. خلیج فارس در قلب خاورمیانه قدیم قرار دارد و از این نظر حساس ترین نقطه دنیای قدیم و جدید محسوب می شود و نقش مهم و حیاتی آن در تحولات سیاسی و اجتماعی خاورمیانه موقعیت ویژه ای به آن بخشیده و باعث شده تا مطالعات و تحقیقات بی شماری در موضوعات مرتبط با خلیج فارس به انجام رسد. با مروری کوتاه بر این گونه آثار می توان به سادگی به اهمیت جغرافیایی آن پی برد و تاثیر آن را بر روند حیات سیاسی اجتماعی و اقتصادی آن به خوبی مشاهده کرد. از این جهت شناخت تحولات سیاسی خلیج فارس و نقش آن در مناسبات تجاری سیاسی دوره باستان بدون آگاهی از موقعیت جغرافیایی طبیعی آن چندان آسان نیست. لذا پیش از پرداختن به موضوع اصلی به بررسی جغرافیای آن می پردازیم.

1-1- مشخصات طبیعی

پیش رفتگی خلیج فارس در خشکی در بخش جنوب غربی قاره آسیا و شمال شبه جزیره عربستان و جنوب فلات ایران است و در واقع شعبه شمال غربی اقیانوس هند محسوب می‌شود که از طریق دریای عمان با آن مربوط می‌گردد. وسعت آن تقریباً نصف دریای خزر است. خلیج فارس جز دریاهای کم عمق جهان است عمق آب آن در سواحل ایران بیشتر از کرانه‌های دیگر آن است و از این رو احداث بندر و اسکله در سواحل شمالی آن به سهولت انجام می‌گیرد و از مناطق دیگر کم خطرتر است. این ویژگی مهم باعث شده تا در طول هزاران سال گذشته بنادر شمالی خلیج فارس از رونق و آبادی بیشتری برخوردار باشند.¹ در آغاز دوران سوم زمین‌شناسی حوزه اقیانوس اطلس شکل گرفته و اقیانوس هند تشکیل شده است. شکاف به وجود آمده بین آسیا و آفریقا مقدمه پیدایش دریای عمان و خلیج فارس بوده است اواسط دوره سوم زمین‌شناسی شکاف عمان گسترش یافته و خلیج فارس به وجود آمده است. با نگاهی به نقشه طبیعی خلیج فارس و شبه جزیره عربستان می‌توان تصور بهتری از کیفیت شکل‌گیری آن به دست آورد خلیج فارس در آغاز پیدایش وسعت بیشتری داشته و تا اواخر دوره سوم زمین‌شناسی جلگه‌های خوزستان، بهبهان، برازجان و بوشهر کنونی را دربر می‌گرفته و در آن ایام رودهای دجله و فرات جداگانه به خلیج فارس وارد می‌شدند. رسوباتی که رودخانه‌های دجله و فرات اروند رود به خلیج فارس می‌ریزند باعث شده تا در طول هزاران سال بر مقدار خشکی افزوده شود و آب به ویژه در بخش‌های شمالی آن عقب‌نشینی کند. برخی معتقدند که سواحل خلیج فارس در سه هزار سال پیش تقریباً ۲۰۰ کیلومتر بالاتر از کرانه‌های امروزی بوده است.

2-1- موقعیت طبیعی سواحل خلیج فارس

سواحل خلیج فارس از ویژگی‌های طبیعی متفاوتی برخوردارند. از آنجا که این ویژگی‌ها تاثیر مهمی در حیات اقتصادی و اجتماعی سواحل دارد به بررسی موقعیت طبیعی سواحل می‌پردازیم. سواحل خلیج فارس در ایران شامل یک بخش از دهانه ورودی خلیج فارس تا بندر لنگه است، جزیره هرمز در این منطقه قرار دارد و تنگه باریکی که جزیره را از خاک ایران جدا می‌کند قابل کشتیرانی است.

در خط ساحلی این منطقه رشته‌کوه‌هایی قرار دارد که در پشت شهرهای ساحلی کشیده شده‌اند. عمق لنگرگاه‌های بنادر این ناحیه برای لنگر انداختن کشتی‌ها مناسب است. بخش دوم از بستانه تا بوشهر است که در مسیر آن جزایر بسیاری قرار دارد و این قسمت از سواحل هم برای توقف کشتی‌ها مناسب است. بخش سوم سواحل این ناحیه از بوشهر تا اروند رود امتداد می‌یابد. رشته کوه‌های داخلی ایران در این ناحیه از دریا فاصله می‌گیرد و تنها یک مورد تا نزدیکی ساحل دیده می‌شود. سه بخش نامبرده ویژگی‌های طبیعی مشابه دارند و این خصایص موقعیت مناسبی برای ساکنان آن به وجود آورده و از همین رو در طول تاریخ از لحاظ سکونت گاه دارای بیشترین آبادی‌ها و بنادر بوده است.

3-1- شرایط آب و هوایی خلیج فارس

با اینکه خلیج فارس در منطقه معتدل شمالی قرار دارد اما شرایط آب و هوایی آن منطبق بر نواحی بسیار گرم است و عملاً دو فصل بیشتر ندارد. تابستانی با هوای گرم و مدت ۹ ماه از سال و هوای نسبتاً معتدل در ماه‌های آذر، دی و بهمن. در بیشتر ایام سال آسمان صاف است. میانگین دمای سالیانه آن ۲۴ تا ۲۸ درجه سانتیگراد است. میانگین دمای خنک‌ترین ماه‌های خلیج به ۱۵ درجه سانتیگراد می‌رسد. میانگین رطوبت هوا در خلیج فارس و مناطق ساحلی آن در طول سال زیاد است و در ساعت‌های مختلف روز و فصول سال متفاوت است، و متوسط رطوبت نسبی آن در فصل زمستان ۷۰ تا ۸۰ درصد و در ناحیه شمال غربی حداکثر ۹۰ درصد است. در تابستان مقدار میانگین رطوبت نسبت به

¹ محمد باقر وثوقی. (1384). تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار، تهران: انتشارات سنت، ص 9

زمستان کاهش می یابد. بارندگی این مناطق به صورت پراکنده صورت می گیرد. بارش در سواحل شمالی خلیج فارس به مراتب بیشتر از سواحل جنوبی است.

4-1- جزایر و بنادر خلیج فارس

در خلیج فارس حدود ۱۳۰ جزیره کوچک و بزرگ وجود دارد که در نقاط مختلف آن پراکنده اند. جزایر بخش های شمالی غالباً مسکونی است در حالی که جزایر جنوبی و شمال غربی به دلیل وضعیت خاص طبیعی و مرجانی بودن غالباً غیرمسکونی هستند. بزرگترین جزیره خلیج فارس قشم است و پس از آن به ترتیب جزایر بومیان و بحرین بزرگترین جزایر آن محسوب می شوند. مهمترین جزایر خلیج فارس عبارتند از: هرمز، لارک، قشم، هنگام، تنب بزرگ، تنب کوچک، ابوموسی، فرور بزرگ، فرور کوچک، سیری، کیش، هندورابی، لاوان، خارک و جزیره فارسی که جنوبی ترین و دورترین جزیره ایرانی در خلیج فارس است.

فصل دوم:

خلیج فارس در دوره باستان

نخستین مدارک تاریخی که نشان از رونق آبادی بنادر و جزایر خلیج فارس دارد مربوط به اواخر هزاره سوم پیش از میلاد است. این دوره مصادف است با قدرت گرفتن سومری ها در بخش های جنوبی بین النهرین در مجاورت خلیج فارس. نخستین مدارک کتبی بین النهرین از شهرهای باستانی اوروک و اور و جمدت نصر (Jemdatnasr) به زبان سومری به دست آمده است. متون سومری موضوعات متنوعی را شامل می شود از جمله اسناد اداری، کتیبه های شاهی، آثار ادبی، سروده های مذهبی، مرثیه، اوراد، سحر و جادو و دعا به درگاه خدایان است. سومری ها بر منتهی الیه جنوب عراق از حدود شهر نیپور تا سواحل خلیج فارس حکومت می کردند. در کهن ترین متون ادبی به زبان سومری درباره خاستگاه های تمدن در جنوب بین النهرین آمده است که «اریدو» نخستین شهر بود. این شهر با آن که امروز در فاصله حدود دویست و بیست کیلومتری خلیج فارس قرار دارد، گویی در آغاز به وسیله

تعدادی آبرگیر و دریاچه کوچک با خلیج فارس ارتباط مستقیم داشته است.² مدارک تاریخی و باستانشناسی مربوط به هزاره سوم پیش از میلاد از رونق تجارت بین نواحی مختلف خلیج فارس حکایت دارد به عبارت دیگر خلیج فارس یکی از راه‌های دسترسی سومری‌ها و اکدی‌ها به دیگر نقاط به شمار می‌رفته است. آنان این آبراه مهم را با نام «دریای سفلی» یا دریایی خورشید طالع می‌نامیدند و به نظر می‌رسد از آن به عنوان مسیر ارتباطی با هندوستان و دیگر مناطق همجوار استفاده می‌کردند. سواحل و بنادر خلیج فارس به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و سهولت دستیابی از قدیم‌ترین ایام به عنوان ایستگاه‌های تجاری مورد توجه قرار داشتند و کشتیرانی در آنها به آسانی صورت می‌گرفته است. قایق‌های دست‌ساز اولیه سومری‌ها می‌توانستند در حاشیه کرانه‌های خلیج فارس بدون ترس و واژه از سرگردانی در دریا در طول سواحل آمد و شد کرده و در این دریای بسته حرکت کند و حتی هنگام دور شدن از ساحل با بهره‌گیری از دورنمای ارتفاعات کرانه‌ها و یا رویت جزایر کوچک و بزرگ پراکنده در سراسر خلیج فارس مسیر خود را به راحتی پیدا کند. مسافران دریا به دلیل نزدیکی سواحل و جزایر به همدیگر و امکان توقف زود به زود در این مناطق نیازی به ذخیره سازی غذا و آب در قایق نداشتند و از این رو جابه‌جایی در خلیج فارس به راحتی انجام می‌گرفت. در قدیمی‌ترین اسناد و مدارک سومری که همان اسطوره آفرینش انسان و طوفان بزرگ است از حرکت کشتی‌ها از شهر اور به ديلمون «Dilmun»، مکن «Makkn» و ملوخ «Mellukhah» یاد شده است. نام این سه بندر در متون سومری به فراوانی یاد شده و به تجارت دریایی با این سرزمین‌ها اشاره شده است.

با تسلط اکدی‌ها و سومری‌ها در زمان حکومت سارگون در حدود ۲۳۰۰ ق.م. پادشاه اکد توانست در یک لشکرکشی بخش‌های عمده‌ای از بنادر و سواحل خلیج فارس را به تصرف خود در آورد و پس از به اطاعت درآوردن شهرهای اور و لاگاش و دیگر نواحی به سواحل خلیج فارس پرداخت و خلیج فارس در محدوده قدرت سارگون اکدی قرار گرفت. نام ديلمون در چند کتیبه متعلق به سارگون ذکر شده که گواه اهمیت این سرزمین در اقتصاد اکد و بین‌النهرین است. شواهد تاریخی حکایت از تسلط اکدی‌ها بر بخش‌های شمالی خلیج فارس دارد و سارگون مسیرهای کشتیرانی را در این منطقه زیر نظر خود داشته است اما لشکرکشی در آب‌های خلیج فارس و توسعه قدرت اکدی‌ها در خلیج فارس در زمان فرزند سارگون و نوه‌اش «نرام سین» روی داد و نرام سین پس از این فتوحات عنوان «پادشاه چهار ناحیه» را برای خود برگزید.

در هزاره سوم پیش از میلاد بخش‌های ساحلی خلیج فارس حد فاصل استان‌های خوزستان و بوشهر امروزی تحت تسلط عیلامی‌ها قرار داشته است. کهن‌ترین منبعی که در آن نام عیلام ذکر شده متعلق به قرن بیست و هفتم پیش از میلاد است. یکی از مناطق مهم حضور عیلامی‌ها در سواحل خلیج فارس در ناحیه‌ای به نام «سبزآباد» در نزدیکی قلعه ریشهر کنونی قرار دارد که در آنجا اشیای فلزی و سفالی و تعدادی آجر از گل پخته با خط عیلامی پیدا شده است.

شهر بابل نیز به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی خود مرکز عمده تجارت بین‌النهرین محسوب می‌شد. از آنجا که این شهر در کنار رودخانه بزرگ دجله و فرات واقع شده بود امکان ورود و خروج کالا به وسیله کشتی‌های کوچک به خلیج فارس را داشته است. نواحی جنوبی بابل که در کتیبه‌ها «سرزمین دریا» نامیده می‌شد منطقه وسیع مردابی بود که در آن به حمل و نقل کالا می‌پرداختند. نبوکدنصر پادشاه بابل بین سال‌های ۶۰۴ تا ۵۶۱ پیش از میلاد بندری در کنار این مرداب ساخته و شهر تریدون را در مغرب فرات بنا کرده بود. او همچنین دستور داده بود تا شهر (تیر)، بندر صور کنونی را ویران کنند و هدف او از این عمل توسعه تجارت هندوستان با سواحل شمالی خلیج فارس بوده است.

2. محمدباقر وثوقی. تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار، ص 20

وی در صدد برآمد تا با ویران کردن بنادر شرقی مدیترانه سهم عمده‌ای در تجارت دریایی بین هندوستان و خلیج فارس تا ناحیه شامات کنونی به دست آورد.³

اسناد آشوری نشان می‌دهد که به دستور پادشاه آشور، سناخریب (681-7-5 ق.م) کشتی سازان فینیقی به نینوا فراخوانده شدند تا کشتی های بزرگ بسازند و سپس سناخریب به دست ملوان صیدونی و صوری و قبرسی کشتی‌ها را به دهانه فرات رسانید. آنگاه سپاهیان را بر کشتی ها نشانید و آنها را به دهانه رودخانه اولای (ulai) که همان کارون امروزی است رسانید. به این ترتیب مشخص می‌شود که دریانوردان و سازندگان کشتی از فینیقیه در قرن هشتم پیش از میلاد به نواحی بین النهرین آورده شدند تا فنون کشتی‌سازی خود را به بومیان بیاموزند و همچنین با ساختن کشتی های بزرگ و کوچک، حکام آشوری و سپس بابلی را در نبردهای دریایی یاری کنند. حضور مستمر فینیقی ها در بین النهرین باعث شد تا آنان به عنوان دریانوردان ورزیده در سواحل و بنادر خلیج فارس مشهور شده و هخامنشیان از آنان در نیروی دریایی خود استفاده کنند. از این رو می توان گفت که دریانوردی دوره هخامنشیان دنباله تجارت دریایی عیلامی ها و بابلی هاست. کشتی ها و دریانوردان خلیج فارس به مدت دو هزار سال پیش از روی کار آمدن هخامنشیان در بنادر و جزایر سواحل آن در حال رفت و آمد بودند و به هنگام صلح و آرامش عامل مهمی در روابط تجاری بنادر و سواحل خلیج فارس و حوزه اقیانوس هند به شمار می رفتند و در هنگام جنگ بین قدرت ها، کشتی ها و دریانوردان مسئولیت حمل و جابه جایی نیروها و ابزار جنگی را بر عهده داشتند. سرگذشت کشتیرانی و تجارت دریایی در خلیج فارس با فروپاشی قدرت پادشاه بابل و فتح مهمترین شهر بین النهرین به دست ایرانیان نه تنها دچار رکود و زوال نشد بلکه با اعمال سیاست های تشویقی و ترغیبی شاهان از جمله کورش و داریوش به اوج خود رسید.

در بند سوم کتیبه ای که از داریوش اول در کانال سوئز یافته اند چنین آمده است.

«من پارسی هستم. از پارس مصر را گرفتم. فرمان کندن این ترعه را دادم. از رودخانه ای به نام نیل که در مصر، جاری است، تا دریایی که در پارس می رود. پس از آن این ترعه کنده شده، چنانکه فرمان دادم و کشتی ها از مصر از وسط این ترعه به سوی پارس روانه شدند، چنانچه مرا میل بود.»⁴

قدرت های محلی و منطقه ای تلاش می کردند تا سواحل و بنادر مختلف را در دو کانون مهم تجارت دریایی شرق و غرب یعنی خلیج فارس و دریای مدیترانه تحت انقیاد و تسلط خود در آوردند و از این راه سود سرشاری کسب نمایند. رقابت ها و جنگ های منطقه ای بین آشوری ها و بابلی ها با فراعنه مصر و یهودیان در این راستا بوده است. از این نظر حکومت هخامنشیان میراث دار این رقابت به شمار می رود. حرکت شاهان هخامنشی به سمت سواحل دریای مدیترانه و مصر و حیشه در واقع ادامه تلاش ساکنین بین النهرین و فلات ایران برای تسلط بر دو آبراه مهم خلیج فارس و دریای مدیترانه بوده است.

از توضیحات بیشتر درباره نقش خلیج فارس در مناسبات تجاری سیاسی دوره هخامنشی خودداری نموده و به دوره اشکانی و ساسانی می پردازیم.

³ . محمدباقر وثوقی. تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار، ص 29

⁴ . نورمن شارپ. (1388). فرمانهای شاهنشاهان هخامنشی، تهران: پازینه، ص 105

فصل سوم:

نقش خلیج فارس در مناسبات تجاری-سیاسی دوره اشکانی

حمله اسکندر به ایران نتایج زیان باری برای خلیج فارس و کرانه‌های ساحلی آن به دنبال داشت. از هم پاشیدگی وحدت سیاسی ایران و از دست رفتن قدرت های محلی و عدم توجه جانشینان اسکندر به وضعیت خاص خلیج فارس شرایط نامساعدی برای این منطقه بوجود آورد. اسکندر در آخرین سال عمرش درصدد اجیر کردن فینیقی ها برآمد تا در خلیج فارس به کشتیرانی بپردازد. به دستور او فینیقی ها به ساختن کشتی پرداختند و در همان سال سه کشتی برای بررسی به خلیج فارس اعزام شد. یکی از این کشتی ها به بحرین رسید و صید مروارید را در این جزیره از نزدیک مشاهده کرد اما هیچ کدام از این کشتی ها نتوانستند از دهانه تنگه هرمز جلوتر بروند و این سفرها نتایج چندانی نداشت. پس از مرگ اسکندر، استقرار جانشینان اسکندر در مصر و تاسیس سلسله بطالسه و عدم توجه سلوکیان به امر تجارت خلیج فارس باعث شد تا طی قرن سوم و دوم پیش از میلاد بنادر دریای سرخ و دریای مدیترانه به حمایت کامل حکام بطالسه نقش اساسی را در تجارت شرق و غرب به عهده بگیرند و بنادر و جزایر خلیج فارس نتوانستند همچون گذشته در تجارت دریایی سهم عمده ای داشته باشند.

با برآمدن اشکانیان و بین سالهای ۱۷۴-۱۳۶ پیش از میلاد، هم زمان با سلطنت مهرداد اول اشکانی شرایط سیاسی در ایران و بین النهرین به نفع تجارت خلیج فارس و سواحل آن به کلی تغییر یافت. شهر انطاکیه در قرن دوم پیش از میلاد مرکز اصلی تجارت بین النهرین و خلیج فارس شد. بنای اصلی این شهر در دوره اسکندر گذاشته شد، اما بخش های عمده آن بر اثر سیل خراب گردید و بعد ها در سال ۱۶۶ پیش از میلاد به دستور آنتیوخوس چهارم دوباره احیاء شد.

در نیمه دوم قرن اول پیش از میلاد حضور اشکانیان در بین النهرین و تجارت دریایی بسیار چشمگیر بوده است. در قرن دوم میلادی و احتمالاً بین سال های ۱۲۸-۱۴۸ میلادی پادشاه اشکانی با جابجایی کانون تجارت بین النهرین از خاراکس به نواحی جنوبی آن، شرایط بهتری را برای دریانوردان خلیج فارس به وجود آورد. منابع تاریخی بیش از این امکان روشن شدن حوادث پیرامون خلیج فارس را به ما نمی دهد اما در یک جمع بندی می توان گفت که طی دوره سلوکی و نیمه اول حکومت اشکانی به دلیل ناامنی در سواحل خلیج فارس و کشمکش قدرت های سلوکی و اشکانی، خلیج فارس چندان مورد توجه شاه قرار نداشت و تنها پس از فتح بین النهرین توسط اشکانیان و توسعه قدرت آنان به سمت غرب بار دیگر مورد توجه قرار گرفت. اما رکورد سیصد ساله تجارت در خلیج فارس و تفوق دریای سرخ و دریای مدیترانه بر آن، موجب شد تا آن آبراه بزرگ برای تجدید حیات اقتصادی خود مشکلات بسیاری را پشت سر بگذارد و در قرن اول و دوم میلادی تا حدودی موقعیت پیشین خود را به دست آورد. اما در این دو قرن نیز به دلیل توسعه طلبی قدرت رومی ها در شرق و نفوذ آنها به سمت دریای سرخ و شمال آفریقا چندان گشایشی در کار بنادر و جزایر خلیج فارس به وجود نیامد و این شرایط تا اوایل قرن سوم میلادی و روی کار آمدن ساسانیان ادامه یافت.

1-3- شهرها و آبادی های خلیج فارس در دوره اشکانی

عمده شهرها و آبادی های خلیج فارس در دوره اشکانیان در نواحی شمالی آن و در مجاورت بین النهرین قرار داشت. این مناطق با توسعه قدرت اشکانیان بطرف بین النهرین در حوزه حکومت آنان قرار گرفت. اما پیش از آن به دلیل از هم پاشیدگی سیاسی ایران و جنگ قدرت پس از مرگ اسکندر تحت حکومت حکام نیمه مستقلی قرار داشت که عمده درآمد خود را از طریق بازرگانی دریایی و جابجایی کالا بدست می آوردند. براساس آگاهی های موجود در متون یونانی می توان فهرستی از شهرها و آبادی های خلیج فارس در این دوره بدست آورد که عمده ترین آنها به ترتیب اولویت رشد و شکوفایی به شرح زیر هستند:

- گرهه: آبادترین بندرگاه جنوبی خلیج فارس که این شهر در قرن سوم پیش از میلاد مرکز عمده تجارت عربستان بود. در عین حال ارتباط مستقیمی با بنادر خلیج فارس داشته و تجارت وسیعی بین آنجا و سلوکیه دایر بوده است.

- تیلوس: در فاصله نزدیکی از شهر گرهه و آنطور که پلینی ذکر کرده است درست روی خشکی عربستان جزیره ای بنام تیروس یا تیلوس وجود داشته که به خاطر مرواریدش مشهور بوده است.

- خاراکس یا خراسن: یکی از مهمترین ایستگاه های تجاری شمال خلیج فارس از قرن سوم پیش از میلاد تا دوره ساسانیان شهر «خاراکس» بوده است. تحولات سیاسی پس از مرگ اسکندر و خلاء قدرت در بین النهرین موجب شد تا در این شهر حکومت نیمه مستقلی بوجود آید. حاکم آن شهر در دوره ی چیرگی اشکانیان و حمله مهرداد اول به بین النهرین، تحت انقیاد پارت ها قرار گرفت. سکه های ضرب شده در سال 120-121 پیش از میلاد گواه این مدعاست. در این دوره این شهر رونق

بسیاری یافت. خاراگس به مدت سیصد و پنجاه سال تحت سلطه اشکانیان قرار داشت و در این مدت به کانون اصلی تبادلات شرق و غرب تبدیل شد.

-ایکاروس: این جزیره در نزدیکی خلیج کاظمه و بوبیان در فاصله بیست کیلومتری شهر کویت قرار دارد.

-اراکیا(خارک): نام این جزیره در دو متن جغرافیایی یونانی آمده است و پلینی ذکر کرده که کوهی بلند در وسط آن دیده می شود.

-اپولوگوس(آبله): همان بصره کنونی است که یکی از بندرگاه های حاشیه شمالی خلیج فارس در دوره اشکانیان بوده است.

-عمان: منطقه عمان از دوره سومری تا اوایل دوره هخامنشیان با عنوان «مکن» و «مکه» نامیده می شده است. پلینی از نبرد دریایی در عمان بین نیروی دریایی پارتی و رومی خبر داده است. در دوره اشکانی تجارت دریایی ایران و سرزمین های مجاور مرتباً صورت می گرفته و سفیر چین که در همین دوره به ایران سفر کرده میگوید سوداگران پارت با گردونه ها و کشتی های خود به سرزمین های مجاور خویش برای تجارت سفر می کنند.⁵

ایران اشکانی از جهت موقعیت خود بین چین و هند از یک طرف و ممالک غربی از طرف دیگر تجارت خوبی داشته و چنان که مورخ چینی می گوید در زمان مهرداد دوم اشکانی سفیری به ایران آمده و نیز مدتی بعد هم سفیر دیگری به ایران آمده است. این سفیر از شهر صد دروازه و همدان تا بابل رفته و می خواسته از خلیج فارس تا خلیج عقبه برود ولی بعد منصرف شده و چنین به نظر می رسد که دولت اشکانی نخواست چینی ها راههای دریایی را بدانند.⁶

در یک جمع بندی کلی می توان گفت در دوره اشکانیان، محدوده شمالی خلیج فارس در همسایگی بین النهرین از رونق و آبادانی برخوردار بوده و در واقع این دوره را می توان ادامه دوره سلوکی ها دانست. اشکانیان در قرن اول و دوم میلادی توجه خاصی به سواحل خلیج فارس از خود نشان دادند با این همه، کم بودن اسناد و مدارک در این دوره، مهمترین مشکل برای پژوهشگران بوده و از این رو نمی توان تصویری روشن از موقعیت خلیج فارس و نقش آن در مناسبات تجاری سیاسی دوره اشکانی بدست داد.

فصل چهارم:

نقش خلیج فارس در مناسبات تجاری سیاسی دوره ساسانی

خلیج فارس و سواحل و بنادر آن در دوره ساسانی پرونق ترین دوره خود را در ایران باستان داشته است. تحولات منطقه ای و جهانی و توجه خاص پادشاهان ساسانی به این منطقه موجبات پیشرفت و توسعه آن را فراهم آورد. طی قرون سوم تا هفتم میلادی در سایه اعمال سیاست های اقتصادی ساسانیان،

⁵ . عبدالحسین زرین کوب.(1367).تاریخ مردم ایران، تهران:امیرکبیر، جلد اول، ص353

⁶ . حسن پیرنیا.(1380).تاریخ ایران پیش از اسلام، تهران:نامک، ص178

خلیج فارس برتری خود را نسبت به دریای مدیترانه و دریای سرخ دوباره به دست آورد و این منطقه تبدیل به کانون تبادلات دریایی گردید. مهمترین عامل توسعه اقتصادی ساسانیان تسلط بر خلیج فارس و بنادر و جزایر آن بود.⁷

بیش از روی کار آمدن ساسانیان حکام محلی سواحل خلیج فارس با استفاده از خلاء قدرت در اواخر دوره اشکانی به تحکیم مواضع اقتصادی خود پرداختند و از راه تجارت دریایی قدرت بسیاری کسب کردند.

این حکام در سواحل خلیج فارس و خوزستان از چنان اقتداری برخوردار بودند که اردشیر اول در نخستین اقدام خود به سرکوبی آنان پرداخت. اهمیت حکومت های محلی در شکل گیری اقتصاد دریایی ساسانیان قابل چشم پوشی نیست.

1-4- حکومت های محلی پس کرانه ای در اواخر دوره اشکانی

خلاء قدرت به وجود آمده پس از حمله اسکندر به ایران در نواحی جنوب تا مدت ها تداوم یافت. سلوکیان به علت کشمکش داخلی چندان توجهی به پس کرانه های خلیج فارس از خود نشان نمی دادند و اشکانیان نیز تا زمان روی کار آمدن مهرداد اول بین سال های 140-164 بیش از میلاد هنوز خوزستان و پارس و بابل را در اختیار نداشتند. از طرفی هر دو دولت اشکانی و سلوکی درگیری کشمکش های سیاسی بودند که تا قرن اول پیش از میلاد ادامه داشت از این رو نمی توانستند کنترل کامل نواحی جنوبی ایران را به دست آورند. خلاء قدرتی که در این سال ها در ایالت های کرمان، پارس، خوزستان بوجود آمد شرایط مناسبی را برای حکام محلی این نواحی به وجود آورد تا به تحکیم مواضع سیاسی و اقتصادی خود بپردازند. این حکام از طریق پرداخت مالیات به سلوکیان و اشکانیان، بقای حکومت خود را تضمین میکردند. اطلاعات سکه شناسی نشان می دهد که آنان در ایالت پارس، الیمائیس و خراسن و احتمالاً در کرمان دارای ضربخانه های مستقلی بوده اند. قدیمی ترین سکه حکام محلی پارس متعلق به حاکمی به نام «بغ دات» در اواخر قرن سوم پیش از میلاد است. از زمان حکومت او تا استیلای اردشیر بابکان در حدود سی نفر در این منطقه حکمرانی کرده اند. داده های جدید باستان شناسی نشان می دهد که محل اقامت یکی از حکام محلی پارس در پس کرانه بندر سیراف در منطقه ای به نام «کران» بوده است. در متون اسلامی نیز از استقرار حکومت های محلی در کرانه های خلیج فارس سخن به میان آمده است. روایت لشکرکشی اردشیر بابکان به نواحی ساحلی خلیج فارس در کارنامه اردشیر بابکان و شاهنامه فردوسی نیز منعکس شده است. از مجموعه شواهد باستان شناسی و سکه شناسی و منابع تاریخی بر می آید که پیش از روی کار آمدن ساسانیان حکومت های قدرتمندی در ساحل کرمان و پارس وجود داشتند که عمده درآمد اقتصادی آنان از طریق تجارت دریایی و حمل و نقل کالا در خلیج فارس بوده است. یکی دیگر از مناطق پس کرانه ای خلیج فارس که در اواخر دوره اشکانی از حکومت مستقل برخوردار بوده الیمائیس است. این ایالت منطبق با عیلام قدیم است و بخش عمده ای از خوزستان را شامل می شود. این منطقه راس خلیج فارس را از طریق شوش به نواحی داخلی فلات ایران متصل می ساخت. قدیمی ترین سکه موجود از حکام الیمائیس مربوط به سال ۱۶۲ پیش از میلاد است و از این تاریخ تا سال ۱۲۰ میلادی سکه های ضرب شده بسیاری در این منطقه به دست آمده است. اردشیر بابکان پس از تصرف کامل پس کرانه های خلیج فارس به این منطقه هجوم آورد و توانست پادشاه آنجا را که طبری او را «نیروفر» نامیده است تحت

7. محمدباقر وثوقی. تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار، ص 59

اطاعت خود در آورد. او فتوحات خود را تا دجله ادامه داد و پس از آن به مقر اصلی خود در ایالت پارس بازگشت.

خاراسن یا خاراکس نیز از مناطق پس کرانه ای مهم در بین النهرین بوده که پیش از این درباره آن گفتیم. این ناحیه نیز توسط اردشیر اول ساسانی به تصرف درآمد. آخرین پادشاه آن بنام «بندو» کشته شد و اردشیر به جای شهرهای قدیمی، دو شهر مهم «استرآباد اردشیر» و «بهمن اردشیر» را در این منطقه بنیان گذاشت.⁸

اقدامات اولیه اردشیر در تصرف نواحی پس کرانه‌ای خلیج فارس بر اهمیت این مناطق در اقتصاد سیاسی ساسانیان گواهی می‌دهد. از این نظر ساسانیان را می‌توان حکومت ایرانی پس کرانه‌های خلیج فارس به شمار آورد. علائق سیاسی و اقتصادی آنان در توسعه شهرها و آبادی‌های این منطقه گویای توجه آنان به اقتصاد دریایی است. ساسانیان نخست از دریانوردی بومی که بیش از آن چندان از حمایت اشکانیان برخوردار نبود پشتیبانی کردند. اقدامات پادشاهان ساسانی در توسعه و گسترش اقتصاد خلیج فارس در دوره آغازین و پایانی این سلسله بسیار چشمگیر است. اقدامات شاهان ساسانی در دو دوره نسبتاً متفاوت مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

2-4- از اردشیر بابکان تا اردشیر دوم ساسانی (دوره اول)

برای ارائه تصویری روشن تر از اقدامات ساسانیان در خلیج فارس و نواحی پس کرانه ای آن، طول دوران حکومت آنان به دو دوره تقسیم شده است. دوره اول که از پادشاهی اردشیر اول (220-227 م) آغاز

می‌شود و تا پایان حکومت شاپور دوم در سال 379 میلادی ادامه می‌یابد. این دوره صدوپنجاه ساله همزمان با اوج گیری قدرت ساسانیان در منطقه و خلیج فارس است. در این میان دوره حکومت اردشیر اول و شاپور اول بین سالهای 220-273 میلادی به دلیل اقدامات امنیتی آنان در پس کرانه های خلیج فارس اهمیت بسیاری دارد. رشد و گسترش و توسعه شهرنشینی در پس کرانه های خلیج فارس، مقابله با حکومت های محلی، سد کردن قدرت رو به گسترش رومی ها به سمت بین النهرین و رونق تجارت با هند و چین از اقدامات مهم این دو پادشاه است که به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یکی از نخستین اقدامات اردشیر اول پس از تثبیت قدرت، بنیانگذاری و یا توسعه شهرها در مناطق مختلف از جمله در کرانه های خلیج فارس بود. آرتور کریستن سن در این مورد نوشته است:

«در مورد اردشیر چه از کتب مورخان و چه از نام شهرهایی که با نام اردشیر ترکیب شده معلوم می‌شود که این شاهنشاه در این باره فعالیت بسیاری به خرج داده است.⁹»

در نوشته های طبری و حمزه اصفهانی و کتاب شهرستان های ایران می‌توان از اسامی برخی شهرها آگاهی یافت. طبری نوشته است که اردشیر هشت شهر بنا کرد که از آن جمله اند: اردشیر خوره یا گور، رام اردشیر، (ریو اردشیر) در فارس، (هرمزد اردشیر) در اهواز، (به اردشیر) در غرب مدائن، استاباد اردشیر یا خوره اردشیر در نزدیکی موصل. حمزه اصفهانی بر این نام ها دو شهر دیگر نیز افزوده است. در کتاب شهرستان های ایران که از متون اواخر دوره ساسانی است ساختن شهر (گور) و (به اردشیر) در کرمان و بین النهرین و زرنگ در سیستان به این پادشاه نسبت داده شده است. اگر به موقعیت جغرافیایی این شهرها دقت شود بخوبی روشن است که عمده این آبادی ها در سواحل و پس

⁸ . محمدباقر وثوقی. تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار، ص 62

⁹ . آرتور کریستن سن. (1379). ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: صدای معاصر، ص 66

کرانه های خلیج فارس و یا در مسیر جاده های آن قرار داشته است. باید پرسید که دلیل این اقدامات چه بوده است؟ هدف اصلی اردشیر از توسعه و گسترش شهرها در این نواحی چیست؟ در پاسخ به این پرسش ها می توان اهداف زیر را مد نظر قرار داد:

(۱) تضمین امنیت بنادر و مسیرهای تجاری سواحل

(۲) به وجود آوردن شرایط مناسب برای تجار و بازرگانان

(۳) جذب سرمایه های مادی به شهرها و نواحی پس کرانه ای

(۴) گسترش و رونق تجارت دریایی و افزایش درآمدهای مالیاتی

(۵) به وجود آوردن مراکز شهری جدید و کوتاه کردن مسیر توقف گاه های بین جاده ای

تحکیم موقعیت و سیاست خارجی فعال ساسانیان در سده سوم میلادی با احداث و گسترش شهرها رابطه تنگاتنگی دارد و این اقدامات تاثیر بسیار مثبتی در افزایش ضریب امنیت تجاری منطقه داشته است. انتخاب شهر فیروزآباد (گور) و «بیشاپور» در نزدیکی کازرون به عنوان پایتخت ساسانیان در دوره اردشیر اول و شاپور اول نشان از اهمیت مسیرهای پس کرانه ای خلیج فارس دارد. فیروزآباد نخستین شهر مهم پس کرانه بندر سیراف محسوب می شد. «توج» نیز بندرگاه مهم بیشاپور بود و در چند منزلی آن قرار داشت. این دو پایتخت از جمله شهرهای پس کرانه ای ایالت فارس محسوب می شدند. گسترش شهرنشینی و آبادی های خلیج فارس با اقدامات پادشاهان ساسانی رو به افزایش گذاشت و سواحل جنوبی و شمالی این آبراه مهم، پذیرای جمعیت بسیاری از تجار و بازرگانان گردید. توصیفی که آمیانوس مارسلینوس، نویسنده رومی قرن چهارم میلادی از این منطقه کرده است بسیار گویاست. او در کتاب خود نوشته است: (این دریا دارای جزایر فراوان و از حیث رفت و آمد کشتی ها معتبر و مهم است. خلیج فارس به شکل دایره ای است که مساحت دور آن تقریباً ۲۰ هزار استاد است و تعداد شهرها و شهرکهای واقع در سواحل آن به قدری است که گویی به هم پیوسته اند و در کنار دریا، تجارت کاملاً رواج دارد).

مهاجرت اعراب از شبه جزیره عربستان به سوی نواحی آباد بین النهرین در طول تاریخ جریان داشته است. در دوره اول حکومت ساسانیان به دلیل منازعات آنان با غرب، پادشاهان روم شرقی به تحریک عشایر و قبایل عرب ساکن این نواحی می پرداختند تا با تاخت و تاز به شهرهای کرانه ای خلیج فارس در بین النهرین و دیگر مناطق مشکلاتی برای بازرگانان ساسانی به وجود بیاورند. نخستین حملات گسترده قبایل عرب به سواحل شمال خلیج فارس در اوایل دوره حکومت شاپور دوم به وقوع پیوست. این وضعیت تا یک دهه بعد ادامه یافت و شاپور دوم در سال ۳۲۸ میلادی در حالی که شانزده تا هیجده سال بیشتر نداشت و در یک تهاجم گسترده، عملیات انتقامی خود را علیه قبایل عرب آغاز کرد و از راه دریا به شهر «خط» در ناحیه بحرین رسید و از اعراب تمیم و بکر بن وائل و عبدالقیس که در آن نواحی ساکن بودند بسیار کشت، سپس به یمامه لشکرکشی کرد و از آنجا به سوی بکر و تغلب که ساکن این منطقه مرزی ایران و روم شرقی بودند رفت و آنان را سرکوب کرد. او سپس بسیاری از این قبایل را به خوزستان و کرمان کوچاند. سیاست کوچ قبایل عرب به نواحی کرانه ای ایالت های فارس و کرمان و خوزستان در کوتاه مدت می توانست متضمن امنیت سواحل باشد اما این امر در دراز مدت مشکلات را به وجود آورد و شرایط لازم برای تحکیم اقتدار و پیشروی نیروهای اسلامی را در قرن نخستین اسلامی ایجاد کرد. اقوام دو سوی خلیج فارس از این دوره به بعد چنان در هم آمیخته اند که تشخیص نژاد آنان در بعضی موارد بسیار مشکل است. ایرانیان در سواحل عمان تا یمن ساکن شدند و قبایل عرب در خوزستان و فارس و کرمان و مکران مستقر گردیدند. آنان در یک تعامل

اقتصادی و فرهنگی مشترک تا آنجا که تمایلات سیاسی اجازه میداد در کنار هم می زیستند و زمینه رشد و رونق فرهنگی و اقتصادی خلیج فارس را فراهم می آوردند. توسعه شهرنشینی در این مناطق موجب مهاجرت هرچه بیشتر طوایف و قبایل ایرانی و عرب به دو سوی کرانه های خلیج فارس شد. سواحل عمان در این دوره با عنوان عمومی «فرون» نامیده می شد که واژه فارسی است. در کارنامه اردشیر بابکان از اهالی «فرون» به عنوان سپاهیان پادشاه یاد شده است.

آمیختگی قبایل عرب و ایرانی از این پس ترکیب اجتماعی منحصر به فردی در دو سوی کرانه های خلیج فارس به وجود آورد. تلفیق و ترکیبی که تاکنون نیز در جای جای سواحل و بنادر و جزایر آن به خوبی مشهود است. بر اساس تحقیقی که جناب سعید نفیسی انجام داده اند در سال ۲۳۷ میلادی نواحی جنوبی خلیج فارس روی هم رفته در سال ششصد و ده هزار دینار به دولت ساسانی خراج می پرداختند¹⁰.

۳-۴- از اوایل قرن ششم میلادی تا قرن هفتم (دوره دوم)

با مرگ شاپور دوم، پادشاه قدرتمند ساسانی در سال ۳۷۹ میلادی دوره ای از ناامنی و بی ثباتی در حکومت ساسانیان آغاز شد. اردشیر دوم و پسرش شاپور سوم و بهرام چهارم هر سه پایان حکومت اندوه باری داشتند که نشانه قدرت روز افزون اشراف و روحانیون از زمان شاپور دوم به بعد است. در زمان بهرام چهارم ارمنستان بین ایران و روم تقسیم شد و غرب این کشور بخشی از امپراتوری روم شد و قسمت شرقی آن کم و بیش تحت اداره ایران قرار گرفت. در دوران سلطنت یزدگرد یکم (۴۲۰-۳۹۹م) با اتخاذ سیاست های مذهبی ویژه، دین مسیحیت به رسمیت شناخته شد و نخستین شورای روحانیون کلیسای نسطوری در سال ۴۱۰ میلادی تشکیل شد. در سال ۴۲۰ میلادی وقتی یزدگرد درگذشت، بزرگترین فرزند او یعنی شاپور به دست بزرگان به قتل رسید و آنان خسرو را به تخت نشاندند. پس از یزدگرد، بهرام پنجم که تربیت شده پادشاه عرب، نماند. عمان بن منذر بود با کمک قبایل عرب به ایران بازگشت و در سال ۴۲۰ خسرو را مجبور به کناره گیری از سلطنت کرد. چهل سال حکومت جانشینان شاپور دوم تا بهرام گور را می توان دوران توجه پادشاهان ساسانی به بخش های شمالی ایران و کم توجهی آنان به ایالت های پس کرانه ای خلیج فارس دانست. از این تاریخ به بعد است که آثار تاریخی چشمگیری از ساسانیان در پارس دیده نمی شود.

این شرایط برای بنادر خلیج فارس چندان خوشایند نبود و تا حدودی آنها را در رکود اقتصادی فرو برد. اقدامات بهرام پنجم (بهرام گور) در راستای بازگشت امنیت پیشین به ایران هم چندان موثر واقع نشد اگرچه سفر به هند و ازدواج با یک شاهزاده هندی را می توان نشان از توجه این پادشاه به تجارت دریایی بین این دو کشور قلمداد کرد.

پس از او یزدگرد دوم به حکومت رسید و ایران در دوره جانشینان او یعنی هرمز سوم و پیروز یکم اوج ضعف خود را تجربه کرد و در یک دوره کوتاه پادشاه ایران خراج گزار هیاطله شد. به طور کلی پادشاهان ساسانی در سده پنجم میلادی از جمله ناتوان ترین شاهان این سلسله بودند از این رو روحانیون زرتشتی و اشراف صحنه گردان اصلی سیاست ایران محسوب می شدند. از لحاظ اقتصادی اوضاع ایران چندان مناسب نبود و علت آن بروز خشکسالی، قحطی و جنگ های پیاپی در شرق و غرب بود. اوضاع نابسامان اقتصادی، اصلاحات در نظام مالیاتی و بازرگانی را ضروری می نمود. اصلاحات قباد و پس از او انوشیروان در اوایل قرن ششم در راستای بهبود این وضعیت صورت گرفت. اصلاحات قباد و انوشیروان شرایط مساعدی را برای تجدید بازرگانی و تجارت دریایی ایران به وجود آورد.

¹⁰ . سعید، ن. (1383). تاریخ تمدن ساسانی، تهران: اساطیر، ص 366.

انوشیروان امنیت داخل ایران را با احداث سلسله باروهایی در چهار گوشه شاهنشاهی تضمین کرد. در سایه امنیت به دست آمده در امپراتوری ایران که از شمال تا دریای سیاه و در جنوب تا یمن و آن سوی کرانه های هندوستان امتداد داشت، بازرگانان می توانستند با اطمینان خاطر به تجارت بپردازند و به این ترتیب یک بار دیگر ایرانیان از موفقیت برتری نسبت به رومی ها برخوردار شدند و سهم خلیج فارس و بنادر و جزایر آن در این برتری بسیار چشمگیر است. انوشیروان برای به دست آوردن چنین شرایطی ناگزیر به اعمال سیاست های ویژه منطقه ای و فرامنطقه ای بود که یکی از پیچیده ترین این سیاست ها در ارتباط با دولت بیزانس و توسعه طلبی آنان به سمت دریای سرخ و حوزه اقیانوس هند بوده است.

تحکیم قدرت ایران در بین النهرین در دوره انوشیروان موجب نارضایتی روم شرقی بود. یکی از مهمترین صادرات شرق و غرب ابریشم که از دو مسیر زمینی (جاده ابریشم) و (دریایی خلیج فارس و دریای سرخ) به روم شرقی صادر می شد. طی این دوره، سیلان، انبار کالا های داد و ستد شده دریایی میان چین و خاورمیانه بود. کشتی های چینی و مردمان آسیای جنوب شرقی تا سیلان آمدند و کالاهای خود را در این جزیره پیاده می کردند. در اوایل قرن ششم میلادی تجار ایرانی در سیلان به عنوان دریافت کنندگان کالاهای چینی شناخته شده بودند و تجارت سیلان در انحصار ایرانیان و حبشیان بود. به این ترتیب رومی ها از بخش اعظم ابریشم که از طریق دریا به غرب می رسید محروم شدند و ایرانیان این کالای با ارزش را از طریق سیلان به خلیج فارس و از آنجا از طریق بین النهرین به روم شرقی صادر می کردند. به عبارت دیگر تجارت دریایی در انحصار ایرانیان قرار. امپراتوران روم شرقی برای درستی مستقیم به کالاهای شرقی تلاش گسترده ای کردند. هدف اصلی آنان نزدیکی به تجار حبشه و خرید ابریشم توسط آنان و انتقال آن از طریق دریای سرخ به روم بود و از این زمان به بعد جنگ هایی بین دو امپراطوری بر سر کرانه های دریای سرخ به وقوع پیوست که تا نیمه اول قرن هفتم میلادی ادامه داشت. نخستین نشانه های ارتباط رسمی ایران و هند در اوایل قرن پنجم میلادی در زمان سلطنت بهرام پنجم معروف به بهرام گور به دست آمده است و کشتی های ایرانی به طور مستقیم از خلیج فارس عازم هندوستان می شدند از آن جا ادویه و ابریشم و دیگر کالاها را با خود می آوردند. این کشتی ها از بندر آبله یا سیراف حرکت کرده و در سواحل عمان توقفی کوتاه نموده از آنجا به طور مستقیم به کناره های غربی هند رهسپار شدند. از این نظر ایستگاه های ساحلی عمان از جمله مسقط از اهمیت بالایی برای ساسانیان برخوردار بوده است. این بندر در دوره انوشیروان گسترش یافت و بخش هایی به آن افزوده شد. یکی از مهمترین منابع تاریخی که از حضور گسترده ایرانیان در سیلان یاد می کند، نوشته ی یک مسیحی هندی به نام «کوسماس» است که در سال ۵۴۷ میلادی همزمان با حکومت قباد در ایران نوشته شد. او در نوشته خود از استقرار کلیسای ایرانی در سیلان و از تجارت رو به گسترش آن با سواحل ایران و آسیای جنوب شرقی یاد کرده است. تجار و بازرگانان ایرانی در هند و سیلان از چنان قدرتی برخوردار بودند که دیگر بازرگانان قادر به رقابت با آنان نبودند. در موضوع تجارت ابریشم، ایرانیها چون نزدیک تر به هندوستان بودند همیشه بار کشتی های را که از آنجا می آمد زودتر از دیگران در بنادر می خریدند و مجالی برای تجار حبشی نمی گذاشتند¹¹.

تمرکز قدرت ساسانیان در آب های شرقی هندوستان نیز به چشم می خورد. رشد بازرگانی دریایی خلیج فارس در دوره ساسانیان بیش از هر چیز وامدار مداخلات مستقیم دولت بوده است. هدف اولیه شاهان ساسانی سلطه کامل بر تمامی خلیج فارس و گسترش داد و ستد سودمند بین هندوستان سیلان و غرب بوده است. این سیاست ممکن است در آغاز چندان با اهمیت جلوه نکند اما باید به خاطر داشت

11. محمدباقر وثوقی. تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار، ص 75

که فقط در قرن ششم میلادی بود که سرتاسر کرانه های خلیج فارس در شرق و غرب و جنوب آن تحت سیطره یک قدرت واحد قرار گرفت و سیاست های واقع بینانه ساسانیان، رونق و رشد خاصی به بنادر خلیج فارس بخشید و تجارت بنادر آن را تا دورترین نقاط شناخته شده آن روزگار در شرق و چین میسر ساخت.

منابع چینی از ارتباط دریانوردان این کشور با سواحل عدن و خلیج فارس در قرن ششم و هفتم میلادی اطلاع می دهند. مورخین اسلامی چون طبری، بلاذری و دینوری این مطالب را تایید می کنند و شواهد باستان شناسی در سراسر جنوب شرق آسیا نیز گویای ارتباط دریایی ایران و چین است. استقرار ایرانیان در سیلان که یکی از ایستگاه های مهم به طرف آسیای جنوب شرقی محسوب می شد به منظور نظارت هرچه بیشتر آنان بر تجارت پرسود با چین بوده است. در نزدیکی سواحل چین سکه هایی از ساسانیان پیدا شده که گواه ارتباط دریایی و تجاری ایران و چین است. تعدادی از این سکه ها متعلق به قباد ساسانی هست و محل ضرب آنها فارس و مناطق مجاور آن هستند و به احتمال زیاد از طریق دریا به آنجا راه یافته اند¹². یک سند سریانی نشان می دهد که دریانوردان نسطوری ایران در زمان ساسانیان در قسمت هایی از جنوب شرق آسیا مستقر شدند. در این سند آمده است حوزه اقتدار اسقف اعظم از سرحدات دریایی سرزمین ساسانیان تا سرزمینی به نام کله به مسافت هزارو دویست فرسنگ بوده است. تردیدی نیست که واژه کله در زبان سریانی نام عربی محلی به نام قلعه بوده که بازار مکاره مهمی در شبه جزیره مالزی محسوب می شد.

۴-۴- شهرها و بنادر مهم خلیج فارس در دوره ساسانیان

وضعیت اداری و تقسیم بندی ایالات و ولایات ایران دوره ساسانی تا حد زیادی روشن است. مهمترین منابع موجود که به شرح مناطق مختلف ساسانی پرداخته اند، نوشته های امیانوس مارسلینوس مورخ یونانی الاصل قرن چهارم میلادی و موسی خورنی مورخ ارمنی قرن پنجم میلادی و مولف کتاب شهرستان های ایران را می توان نام برد. بر اساس اطلاعات مندرج در این منابع و برخی متون پهلوی دیگر، استانهای ساحلی خلیج فارس در دوره ساسانیان پس از ایالت سند، به ترتیب شامل: مکران، کرمان، پارس، خوزستان، بحرین، پنینت اردشیر (ساحل قطیف) و فرون (عمان) بوده است. گستردگی و بی شماری آبادی های کرانه ای خلیج فارس را از فهرست مورخین اسلامی در باره نام شهرهای ساحلی که در زمان اردشیر و شاپور اول ساخته شده می توان دریافت. از مجموع این اطلاعات چنین بر می آید که حدود یازده بندر در سواحل منطقه ساخته شده است. از آنجا که مقرر حکومت ساسانیان ابتدا در ایالت پارس سپس بین النهرین بوده است از این رو طبیعی است که بنادر کرانه های پارس و بین النهرین نسبت به دیگر مناطق اهمیت بیشتری پیدا کرده باشد. بنادر ریشهر، سیراف، توج، ابله، صحرار و قلها و جزیره بحرین را می توان از میان آبادی های متعدد این دوره معرفی کرد.

ابله: بندر ابله در شمالی ترین بخش خلیج فارس، در این دوران اهمیت بسزایی داشته است. این بندر به عنوان واسطه راس خلیج فارس و مناطق کرانه ای دجله و فرات در داخل بین النهرین عمل می کرده است. طبری از این بندر به عنوان «فرج الهند» یا دروازه هند نام برده است. این شهر لنگرگاه کشتی هایی بود که به چین و هند رفت و آمد می کردند. این شهر در قرن اول اسلامی با رونق گرفتن شهر بصره به تدریج آبادانی خود را از دست داد و بصره جانشین آن شد.

¹² . تورج دریایی. (1383) شاهنشاهی ساسانی، ترجمه: مرتضی ثاقب فر، تهران: ققنوس، ص 105

ریشهر (ریو اردشیر): یکی از بنادر آباد دوره ساسانی بندر ریشهر بوده است. آبادی و رونق این منطقه از دوره ایلام و در هزاره دوم پیش از میلاد شروع شد. حفريات نشان می دهد که این بند در دوره اشکانی و ساسانی فعال بوده است. این بندر از جمله بندری است که در دوره اردشیر اول بازسازی شده است. این شهر در زمان شاپور دوم مورد غارت اعراب قرار گرفت و بعدها به طور کامل بازسازی شد. بر اساس آنچه در متون تاریخی آمده است می توان دریافت که این شهر منطبق با ناحیه مجاور بوشهر کنونی است.

توج: دور یکی دیگر از بنادر معتبر دوره ساسانی است. نام آن برگرفته از نام آن در دوره هخامنشی است که این دوره اهمیت بسزایی یافته است. یکی از نخستین شهرهای بندری ایران که توسط مسلمانان فتح شد، توج بود. حمله مسلمانان به این شهر با مقاومت شدید اهالی روبرو شد و مردم بسیاری کشته شدند.

سیراف (دروازه فیروزآباد): این شهر بندرگاه اصلی شهر فیروزآباد، نخستین پایتخت ساسانیان بوده است. این بندر که در دوره اشکانی و ساسانی فعال بوده در قرن اول اسلامی نیز از اهمیت بالایی برخوردار بود.

بنادر عمان (صحار و قلّهات): ایرانیان در اوایل دوره ساسانی این منطقه را با نام «فرون» می شناختند. از این ناحیه در کارنامه اردشیر بابکان یاد شده است و بر اساس مندرجات آن، اعراب فرون در اوایل دوره ساسانی در سواحل جنوبی خلیج فارس ساکن بودند. سواحل عمان به عنوان مهمترین لنگرگاه کشتی هایی که از ایران به هند سفر می کردند مورد توجه شاهان ساسانی بوده است. دو شهر صحار و قلّهات که از آبادی های مهم دوره ساسانی بودند تحت اداره حکومت ایرانی قرار داشتند. در یک جمع بندی کلی می توان گفت که بندرها و جزایر خلیج فارس در دوره ساسانی دوران پرونقی را تجربه می کرده اند. بندرهای پس کرانه ای این ایالت پارس و خوزستان از اهمیت بیشتری برخوردار بودند اما تجارت مستقیم با هندوستان از طریق دریا موجه به رونق و آبادی سواحل عمان شد و ساسانیان که به توسعه قدرت خود به سمت دریای سرخ و هندوستان اهمیت می دادند توجه ویژه ای به بندر های ساحلی عمان از خود نشان دادند. بندرهای واقع در راس خلیج فارس و مجاور بین النهرین نیز همچنان از آبادی و رونق برخوردار بودند و جزیره بحرین و سواحل آن نیز توقفگاه اصلی کشتی ها در این مسیر بودند. آنچه که در این دوره، چشمگیر است، آبادی و رونق بندر های بخش مرکزی خلیج فارس به ویژه سیراف، توج و ریشهر است. این مهم در قرون نخستین اسلامی نیز تداوم یافت و این بندرها به ویژه بندر سیراف به کانون اصلی تبادلات اقتصادی منطقه ای تبدیل شدند.

5-4- محدوده و نام خلیج فارس در متون یونان و روم باستان

جغرافیای سنتی یونان از قدیم ترین ایام، محدوده آبراه خلیج فارس را در همسایگی اقیانوس هند می دانسته است. به عبارت دیگر این آبراه دریای عمان و خلیج فارس و بخش های شرقی عمان را شامل می شده است. قدیمی ترین سند مکتوب در این باره سفرنامه نئارخوس سردار اسکندر مقدونی است. او در سال ۳۲۶ قبل از میلاد ماموریت خود را که شناسایی سواحل و جزایر خلیج فارس و اقیانوس هند بود به انجام رسانید. نئارخوس نام این آبراه را خلیج فارس ثبت کرده و آن را مجاور اقیانوس هند دانسته است. به عبارت دیگر او سواحل ایالت گدروزی و آراخوزیا و کرمان را جزء خلیج فارس به شمار آورده است.¹³

¹³ . محمدباقر وثوقی. تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار، ص 84

اراتوستن، جغرافی نویسنده یونانی است که در قرن دوم پیش از میلاد می زیسته است. اگر چه اثر جغرافیایی او به دست ما نرسیده است اما محتوای کتاب و به وسیله استرابون نقل شده است. اراتوستن درباره خلیج فارس نوشته است: «خلیج فارس را دریای پارس نیز می گویند.. مجموع مساحت آن حدود ده هزار استاد است و سواحل کرمان و پارس و شوش و قسمتی از بابل جز آن است.» استرابو جغرافی نویسنده اواسط قرن اول پیش از میلاد و اوایل قرن اول میلادی نیز خلیج فارس را مجاور اقیانوس هند دانسته است. قدیمی ترین نقشه هایی که بر اساس مندرجات کتاب بطلمیوس ترسیم شده و به دست ما رسیده است متعلق به سال ۱۴۷۸ میلادی است که در آن دریای پارس به خوبی مشخص شده است. کلیه نقشه برداران مشهور اروپایی از قرن پانزدهم به بعد در نقشه های خود نام خلیج فارس را دریای پارس ثبت کرده اند و در هیچ یک از این نقش ها نام دیگری به میان نیامده است. در یک نتیجه گیری کلی می توان گفت نام خلیج فارس و دریای پارس در دنیای باستان از چنان شهرت فراگیری برخوردار بوده که در تمامی اسناد و مدارک تاریخی و جغرافیایی به ثبت رسیده است.

فهرست منابع:

- 1-اقتداری، ا. (1375). *آثار شهرهای باستانی خلیج فارس*، انجمن آثار فرهنگی، تهران.
- 2-پیرنیا، حسن. (1380). *تاریخ ایران قبل اسلام*، تهران: نشر نامک.
- 3-خدادادیان، ا. (1383). *تاریخ ایران باستان*، تهران: سخن، جلد دوم.
- 4-دریایی، ت. (1383). *شاهنشاهی ساسانی*، تهران: اساطیر.
- 5-زرین کوب، ع. (1367). *تاریخ مردم ایران*، تهران: امیرکبیر، جلد اول.
- 6-زرین کوب، ع. (1378). *روزگاران*، تهران: سخن.
- 7-ستاندیش، ج. (1383). *ایران و خلیج فارس*، ترجمه: عبدالرضا سالار بهزادی، تهران: نی.
- 8-شارپ، ن. (1388). *فرمانهای شاهنشاهان هخامنشی*، تهران: نشر پازینه.
- 9-کازرونی، م. (1367). *تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس، تهران*: موسسه فرهنگی جهانگیری.
- 10-کریستن سن، آ. (1378). *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه: رشید یاسمی، تهران: صدای معاصر.
- 11-میخائیلوویچ دیاکونوف، م. (1382). *تاریخ ایران باستان*، ترجمه: روحی ارباب، تهران: علمی فرهنگی.
- 12-نفیسی، س. (1383). *تاریخ تمدن ساسانی*، تهران: اساطیر.
- 13-نفیسی، س. (1383). *مسیحیت در ایران تا صدر اسلام*، تهران: اساطیر.
- 14-وثوقی، م. (1384). *تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار*، تهران: انتشارات سمت.
- 15-هوار، ک. (1375). *ایران و تمدن ایرانی*، ترجمه: حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.

